

* تذکر: تقسیم‌بندی انواع استعاره مخصوص رشته انسانی است ولی مطالعه‌ی آن درک ما را نسبت به استعاره بیشتر می‌کند.

موضوع پنجم < تشخیص

جان بخشیدن / تشخیص بخشیدن / شخصیت بخشیدن / آدم گونگی / آدم انگاری / آدم نمایی / personification

قبل از شروع به سوال پرسیم؟ فقدر اسم داره؟ کی حال داره این همه رو فقط کنه؟

کلمه «آدم» و «بخشیدن» بیانگر آرایه‌ی تشفیسه دیگه، ثانیاً تشفیص بوهی استعاره است یعنی هر تشفیصی استعاره است.

بررسی تشخیص:

(۱) فعل یا عملی که برای انسان باشد و به‌غیر انسان نسبت داده شود.

مثال: آن همه ناز و تنعم که خزان می‌فرمود

نسبت دادن فعل فرمودن به‌غیر انسان

(۲) اضافه استعاری: در مبحث استعاره مفصل بیان شد.

گوشی زمانه / حیثیت مرگ

(۳) بعد از ای یا الف ندا اسم غیر انسانی ذکر شود (به شرط این‌که معنا عوض نشود).

مثال: ای بخارا شاد باش و دیر زی میر زی تو شادمان آید همی

نام شهر زندگی کن سوی

که شاعر در این بیت شهر «بخارا» را مورد خطاب قرار داده است.

یه پیزی پرسیم عصبی نمی‌شی؟ من از کجا باید بفهمم که معنا عوض می‌شه یا نه؟

از روی کلمات قبل و بعد همیشه فهمید که معنا عوض می‌شه یا نه ولی نکته‌ای فیلی کمکت می‌کنه و اون اینه که آله بعد از ای نام مکانی یا بارها یا

اعضای وهوری (غیر از کلمه یان) ذکر بشه معنا عوض نمی‌شه و تشفیص داره.

مثال: ای نسیم سحر آرامگه یار کجاست؟

تشخیص = استعاره

(مورد خطاب قرار دادن بادها در شعر شاعران)

* تذکر: اگر توجه کرده باشید تشخیص بعضی از حالات چهارگانه استعاره را دارد به این دلیل هر تشخیصی استعاره می‌باشد.

زیرنویس تشخیص:

از لحاظ علمی در آرایه‌ی تشخیص مشبه ذکر می‌شود اما مشبه‌به ذکر نمی‌شود منتهی تشخیص به دو قسمت تقسیم می‌شود.

(الف) آدم نمایی (آدم انگاری)

(ب) جان بخشیدن به اشیاء

در حالت (الف) فعل یا عمل برای انسان می‌باشد و به‌غیر انسان نسبت داده می‌شود.

در حالت (ب) به هر شیء جان بخشیده شود.

مثال: بگویم: سنگ غذا خورد / آسمان شکفته شد

فعل غذا خوردن و فعل شکفته شدن مخصوص موجودات می‌باشد و به اشیاء نسبت داده شده است.
 * تذکر: به ترکیبات دستِ توبه / سر تعظیم / دست ارادت در ظاهر اضافی استعاری می‌باشد ولی اضافی اقترانی هستند با این تفاوت که در اضافی اقترانی منظور کلمه‌ی اول است و بین دو کلمه می‌توان از عبارت «به قصد» قرار داد اما در اضافی استعاری منظور کلمه‌ی دوم است و نمی‌توان از عبارت «به قصد» استفاده کرد.

مثال: دست توبه به سوی خدا بلند کرد (دست به قصد توبه بلند کرد)

مثال: سر ارادت برای خداوند پایین آوردم (سر را به قصد ارادت پایین آوردن)

اما وقتی می‌گوییم: دست مرگ نمی‌توان بین دو کلمه «به قصد» گذاشت یعنی وقتی می‌گوییم: دست مرگ نیاکان مرا از صحنه‌ی روزگار محو کرد، منظور نویسنده یا شاعر کلمه‌ی «مرگ» است یعنی مرگ نیاکان مرا از صحنه‌ی روزگار محو کرد، پس دستِ مرگ اضافی استعاری است.



تحصیل با ما